جغرافیا و مخاطرات محیطی، شماره بیست و دوم، تابستان ۱۳۹۶

صص ۱۰۰- ۷۳

DOI: 10.22067/geo.v6i2.57481

سنجش سطح دانش و آگاهی روستاییان درباره مدیریت بحران خشکسالی (مطالعه موردی: روستاهای دهستان میان خواف شهرستان خواف)

طاهره صادقلو[1]- استادیار جغرافیاو برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

یاسر عرب‌تیموری- دانشجوی کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

اسماعیل شکوری فرد- دانشجوی کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۴/۲۲ تاریخ تصویب: ۱۳۹۵/۱۲/۳

چکیده

مخاطرات طبیعی یک چالش عمده در نواحی روستایی است و کنترل آن در روستا از اهمیت زیادی برخوردار است. با توجه به این مسئله هنوز عرصه‌های روستایی کشور از یک مدیریت فراگیر بحران برخوردار نبوده و سالیانه تعداد زیادی از ساکنان نواحی روستایی کشور در اثر سوانح طبیعی و غیرطبیعی دچار خسارات و تلفات جانی و مالی می‌شوند. روستاها و اهالی آن به عنوان پایه اصلی در مدیریت بحران با دانش و آگاهی، پیش‌بینی، آمادگی و بازسازی مناسب، نقش جدی در کاهش خسارات و تلفات مخاطرات خواهند داشت. پژوهش حاضر در بهار ۱۳۹۵، با هدف سنجش سطح دانش و آگاهی روستاییان درباره مدیریت بحران خشکسالی انجام شد. برای رسیدن به هدف پژوهش از روش‌شناسی توصیفی- تحلیلی از طریق شیوه مطالعه اسنادی و پیمایشی (پرسشنامه محقق ساخته) استفاده شد. جامعه آماری پژوهش را ۲۶۰ نفر از خانوارهای روستایی دهستان میان خواف شهرستان خواف تشکیل داده‌اند. برای جمع‌آوری داده‌ها از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای با ابزار پرسشنامه محقق ساخته بر اساس شاخص‌ها و مؤلفه‌های ابعاد ۴ گانه دانش مدیریت بحران خشکسالی از ادبیات نظری استفاده شد. پایایی ابزار اندازه‌گیری با محاسبه ضریب آلفای کرونباخ (۰,۷۸۴)، تأیید شد. نتایج و یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که خانوارهای روستایی نمونه در برخورداری از مؤلفه‌های ابعاد چهارگانه دانش مدیریت بحران و در کل دانش روستاییان درباره مدیریت بحران خشکسالی، پایین‌تر از سطح مطلوب میانگین عددی ۳ قرار دارند. همچنین با استفاده از مدل اولویت‌بندی کوپراس، بین روستاهای مورد مطالعه در خصوص برخورداری از دانش مدیریت بحران خشکسالی رتبه‌بندی انجام گرفت که روستای فایندر با بیشترین امتیاز در رتبه اول و روستای وراب در رتبه دوم و روستای مهاباد در پایین‌ترین رتبه قرار دارند.

کلیدواژه‌ها: دانش و آگاهی، بحران، مدیریت بحران، خشکسالی، دهستان میان خواف.

۱ نویسنده مسئول: ۰۹۱۹۶۲۶۱۵۶۹

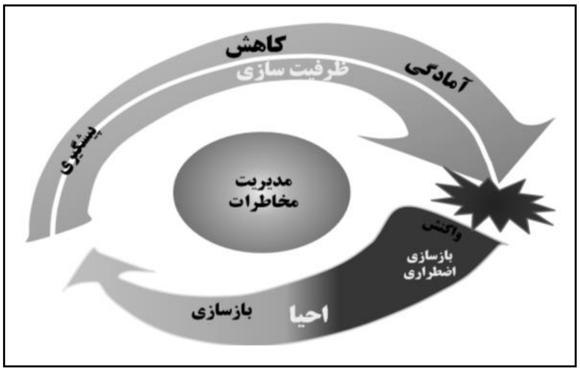
Email: tsadeghloo@yahoo.com

۱. مقدمه

بدون شک توسعه روستایی مفهومی چند بخشی و دارای ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است (قدیری معصوم و قراگوزلو، ۱۳۹۱: ۲) و دستیابی به توسعه پایدار روستایی مستلزم توجه به همه ابعاد محیطی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، کالبدی، نهادی و مدیریتی است (افراخته، ۱۳۹۱: ۴۰). در این میان، یکی از مباحث و دغدغه‌های عمده توسعه روستایی، توجه به مخاطرات و بحران‌هایی است که به‌طور نسبتاً دائمی، سکونتگاه‌های روستایی را با دگرگونی‌ها و تحولات غیرمنتظره روبرو می‌سازد. وقوع بحران بر کلیه پارامترهای دخیل در توسعه پایدار اثر می‌گذارد، لذا مدیریت بحران گامی اساسی در توسعه پایدار محسوب می‌شود (فیروزی و همکاران، ۱۳۹۰: ۹۷). توجه به این مخاطرات و بحران‌ها، ضرورت انکارناپذیر دستگاه مدیریت بحران و ساختار مدیریت بحران است. ازآنجاکه بحران‌ها همواره در محیط‌های مستعد خطر آسیب‌ها و تلفات سنگین‌تری دارند، در سکونتگاه‌های روستایی که به دلایل متعدد از نواحی مستعد خطر به شمار می‌روند، تلفات و خسارات گسترده و سنگین‌تری دارند (ریاحی و همکاران، ۱۳۹۲: ۲).

بحران وضعیتی ناگهانی و غیر عادی است که درنتیجه بروز حوادث طبیعی یا غیرطبیعی رخ می‌دهد و به‌طوری‌که باعث درهم‌ریختگی شدید زیست‌محیطی و روانی- اجتماعی که بسیار فراتر از ظرفیت انطباقی جامعه به آن مبتلا باشد، می‌شود (تقوایی و عزیزی، ۱۳۸۷: ۳۶). مدیریت بحران درواقع پیشگیری، برنامه‌ریزی و ارزیابی برای کاهش و به حداقل رساندن عواقب احتمالی بحران‌هاست که از طریق برنامه-ریزی حاصل می‌شود[1](جاکوس، ۲۰۰۷: ۱۴۸) و به عنوان تخصصی علمی و کاربردی، مستلزم برخورداری از مهارت‌ها، ابزارها و عوامل گوناگونی است که از مهم‌ترین این پایه‌ها و ملزومات، آگاهی و دانش است. دانش شامل آگاهی و درک مجموعه‌ای از اطلاعات و چگونگی استفاده بهینه از آن اطلاعات است؛ به‌عبارت‌دیگر، دانش شکل غنی شده و بارور شده اطلاعات است که با درک چگونگی و چرایی همراه است. اجرای مراحل مدیریت بحران (کاهش، آمادگی، پاسخ، بازگشت و بازسازی) نیازمند داشتن آگاهی و ادراک متناسب با هر اقدامی است که به بهترین نحو مجموع اطلاعات موجود را به کار می‌گیرد (سجاسی و همکاران، ۱۳۹۳: ۵۴۴).

1 Jacques
2 Maritz



شکل ۱ گام‌های فرایند مدیریت مخاطرات

Abani, 2016

در ادوار گذشته و بخصوص سالیان اخیر دهستان میان خواف با بحران خشکسالی شدید روبرو بوده است، به‌طوری‌که خشکسالی سهم قابل‌توجهی در پایین آمدن راندمان تولید این منطقه داشته است. این نوع مخاطره در کل سطح شهرستان خواف قابل مشاهده بوده است. پایین آمدن معنادار راندمان تولیدات در روستاها، هدر رفت انواع واریته‌ها و منابع تولید در جریان کشت و کار و غیرقابل‌پیش‌بینی بودن بحران خشکسالی و وابستگی به منابع طبیعی از عواملی هستند که اهمیت توجه به دانش و آگاهی‌های لازم در رابطه با مقابله با این بحران را بیش‌ازپیش نمایان می‌سازد. با توجه به اینکه در شرایط خشکسالی جوامع روستایی استراتژی‌های متفاوتی برای مقابله با این پدیده بکار می‌گیرند و ازآنجایی‌که فرایند تحقیقات علمی، تدبیر و اشراف اطلاعاتی در بحران‌ها جز از طریق دانش و آگاهی میسر نیست، براین اساس هدف پژوهش حاضر سنجش سطح آگاهی و دانش روستاییان در زمینه مدیریت بحران خشکسالی در مجموعه روستاهای مورد مطالعه در شهرستان خواف است. در این راستا سؤال اصلی این پژوهش بدین‌صورت مطرح می‌شود که دانش و آگاهی روستاییان منطقه مورد مطالعه نسبت به مدیریت بحران خشکسالی چه اندازه است؟

۱. ۱. پیشینه نظری

بیشتر مطالعات مربوط به مدیریت بحران، غالباً در حوزه‌های شهری، آثار و پیامدهای بحران، انواع بحران‌ها و مخاطرات، راهکارهای مقابله با بحران‌ها و مراحل آن را مورد توجه قرار داده‌اند، و مطالعات محدودی در حوزه روستایی و بخصوص سنجش سطح آگاهی اجتماعات روستایی در زمینه مدیریت بحران به رشته تحریر درآمده است. به‌ویژه در خصوص موضوع مورد مطالعه تحقیق حاضر، یعنی سطح آگاهی روستاییان در خصوص مدیریت بحران، به جرات می‌توان گفت مطالعه‌ای در این خصوص در داخل کشور صورت نگرفته است و این بعد را می‌توان وجه تمایز و نوآوری مطالعه حاضر لحاظ کرد. در این قسمت به برخی از مطالعات انجام شده در راستای تحقیق حاضر اشاره می‌شود.

جدول ۱ سوابق تحقیق در زمینه سنجش آگاهی و دانش روستاییان در زمینه مدیریت بحران

نام پژوهشگر	عنوان پژوهش	نتایج پژوهش
عزمی و همکاران، ۱۳۹۳	جایگاه دانش بومی در مدیریت مخاطرات طبیعی در روستاها، مورد: دهستان شیزر، شهرستان هرسین	نتایج نشان می‌دهد که تفاوت معنی‌داری بین اثر بخشی دانش بومی و نوین در کاهش آسیب‌پذیری مخاطرات طبیعی وجود دارد و دانش بومی سهم بیشتری در مدیریت مخاطرات طبیعی در نواحی روستایی داشته است.
سجاسی قیداری و همکاران، ۱۳۹۳	سنجش سطح دانش مدیریت بحران مدیران محلی روستایی با تأکید بر زلزله، مورد: دهستان گشت، شهرستان سراوان	مطالعه حاضر با هدف بررسی میزان دانش مدیریت بحران میان مدیران محلی مناطق روستایی (دهیاران و شوراها) انجام شده است. نتایج نهایی نشان می‌دهد که سطح دانش مدیریت بحران میان مدیران روستاهای مطالعه شده پایین‌تر از حد متوسط است.
چشم براه و همکاران، ۱۳۹۴	راهبرد مدیریت دانش در مدیریت بحران	هدف مطالعه ارائه الگویی راهبردی برای تبیین مدیریت بحران‌ها و اعمال اثر بخش آن مبتنی بر دانش است. نتایج نشان می‌دهد که چهار اصل مدیریت دانش در مدیریت بحران شامل تشخیص، تحلیل، تدبیر و تأثیر، نقش مهمی در مدیریت بحران دارند. همچنین مراحل مختلف بحران را براساس الگوی پیشنهادی به صورت دانش بنیان در سیاست گذاری‌های امنیتی –انتظامی تبیین می‌کند.
عبداللهی، ۱۳۸۸	نقش و جایگاه مدیریت‌های محلی در تحقق نظام نوین مدیریت بحران	برنامه‌ریزی برای تمرین استفاده از مدیریت‌های محلی و مردم در مدیریت بحران حوادث غیر مترقبه را به عنوان اصلی بنیادین در تعریف برنامه و سازماندهی تشکیلاتی در هنگام وقوع بحران‌ها می‌داند. در این راستا بر ارتقا آگاهی و دانش اجتماعات محلی به عنوان اهرم اصلی تأکید شده است.
ایمانی و عمران زاده،۱۳۸۸	راهکارهای رفع نارسایی مدیریت بحران در نواحی روستایی ایران	نتایج نشان می‌دهد که راهکارهای رفع نارسایی‌های مدیریت بحران در نواحی روستایی به دو دسته عوامل کلی داخل و خارج روستا هستند. در داخل روستا به ایجاد زمینه‌های ارتقا آگاهی، مشارکت و آموزش‌های اهالی روستا و در خارج از روستا به بسیج کلیه ارگان‌های وابسته دولتی در زمینه خدمات رسانی و پیش‌گیری از وقوع بحران‌ها و برنامه‌ریزی قبلی توسط مسئولان امر اشاره کرد.
ویجایا کوماری و سابیدا[1] ۲۰۱۵	آگاهی در مدیریت بحران: بررسی آگاهی دانش آموزان مدارس متوسطه در کرالا بر مبنای جنسیت، مکان و تجربه بلایا	نتایج نشان می‌دهد که سطح پایین آگاهی رابطه معناداری با تفاوت‌های جنسیتی و تفاوت‌های محلی مدیریت بلایای طبیعی دارد و همچنین تفاوت قابل‌توجهی در آگاهی از مدیریت بلایای طبیعی بین کسانی که بلایا را تجربه کرده‌اند با کسانی که آن را تجربه نکردند وجود دارد.
آپینگ و همکاران، ۲۰۰۵	مدیریت فاجعه زلزله در چین	در این مطالعه بر اهمیت آگاهی افراد اشاره شده و دران یک مدل مدیریت در زلزله و همچنین یک برنامه آموزشی جهت آگاه کردن افراد به‌منظور کاهش اثرات طراحی گردیده و بر لزوم اجرای آن تأکید شده است.
روی و همکاران، ۲۰۱۴	آگاهی جوانان روستایی عاملی برای مدیریت بلایا، بر مبنای جنسیت	نتایج نشان می‌دهد که سطح آگاهی زنان در مقایسه با مردان نسبت به مدیریت بلایا بیشتر بوده و همچنین نتایج مطالعات توصیفی و آزمون همبستگی نشان می‌دهد که افزایش سطح آگاهی وابستگی معناداری به آموزش‌های خانوادگی، سن افراد و همچنین مشارکت‌های مردمی در فرایند مدیریت بلایا دارد.

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۵

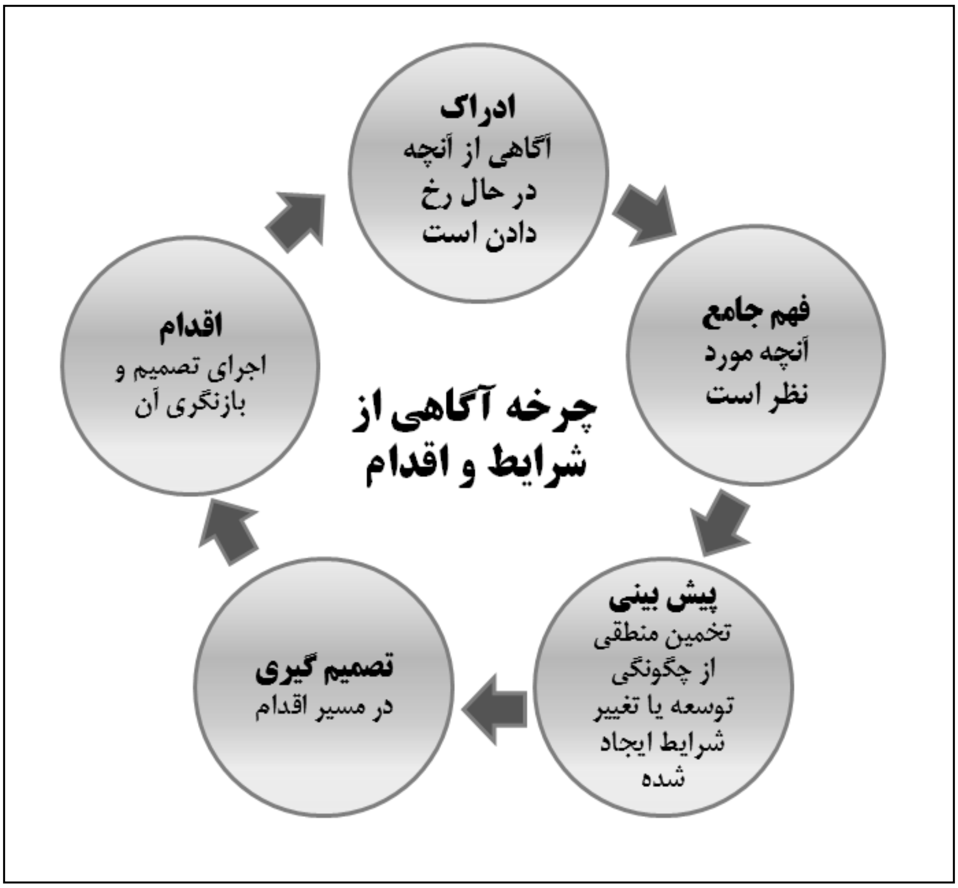
1 Vijay, Kumary and Sabida
2 Aping and et al
3 Roy and et al

۲. ۱. مبانی نظری

عصری که ما در آن زندگی می‌کنیم عصر ارتباطات و اطلاعات نام دارد. در چنین روزگاری دانستن، مزیتی بسیار بزرگ و ندانستن، ضعفی جبران‌ناپذیر خواهد بود. در نظام‌های توسعه‌ای مبتنی بر دانش، آگاهی مؤلفه کلیدی در راهبرد توسعه‌ای تلقی می‌شود؛ بنابراین لازم است الگوهای بومی دانش و آگاهی، فناوری و نوآوری متناسب با شرایط و ظرفیت‌های ویژه برای ایجاد و تقویت ساختار مدیریتی طراحی و اجرا شود (چشم براه و همکاران، ۲۷:۱۳۹۴). آگاهی فرایند سازماندهی، تعبیر، تفسیر و ارتباطات اطلاعات است که از سوی حواس جمع‌آوری می‌شود؛ بنابراین اطلاعات مؤلفه صریح دانش (شناخت و آگاهی) است مقوله دانش، شناخت و آگاهی از جمله ابعاد مهم توسعه و بهبود منابع انسانی پایدار محسوب می‌شود و دراین‌ارتباط هاربیسون و مایر توسعه و بهبود منابع انسانی را عبارت از افزایش دانش (آگاهی و شناخت)، مهارت‌ها، ظرفیت‌ها و توانایی‌های همه مردم یک جامعه، تعریف کرده‌اند (محسنی، ۳۵:۱۳۷۱). برای تعریف دانش و آگاهی در ابتدا باید از داده‌ها صحبت کرد. داده‌ها منبع حیاتی به شمار می‌روند که با بهره‌برداری صحیح از آن‌ها می‌توان آن‌ها را به اطلاعات با معنی تبدیل کرد. بدین ترتیب اطلاعات می-توانند به دانش و درنتیجه حکمت تبدیل شوند. دانش و آگاهی مجموعه‌ای از شناخت‌ها و مهارت‌های لازم برای حل مساله است، بنابراین اگر اطلاعاتی که در دست است بتواند مشکلی را حل کند می‌توان گفت که دانش و آگاهی وجود دارد. ضمن اینکه آگاهی و دانش لازم باید امکان تبدیل به دستورالعمل اجرایی و عملی شدن داشته باشد (هزار جریبی و محبوبی منش،۱۰:۱۳۹۱). در این بین یکی از مواردی که لزوم به کارگیری دانش و آگاهی از الزامات اساسی آن به شمار می‌رود، حیطه مدیریت بحران است. بحران‌ها در انواع و اقسام گوناگون، همواره تأثیرات مهمی بر نواحی دارای پتانسیل بحران، داشته‌اند و دارند. آن‌ها از دیرباز جزء جدایی ناپذیر زندگی اجتماعی بوده‌اند و روز به روز بر تعداد و تنوعشان افزوده شده است (روشندل اربطانی و همکاران، ۱۳۸۸: ۶۴).

بحران حادثه‌ای است که به‌طور طبیعی و یا به‌وسیله خود بشر، ناگهانی و یا به‌صورت فزاینده‌ای به وجود می‌آید و سختی و مشقتی را به جامعه انسانی تحمیل می‌کند که جهت بر طرف کردن آن نیاز به اقدامات اساسی و فوق العاده است (غلامحسینی، ۱۳۹۱: ۵۴۴)؛ بنابراین بحران مرحله‌ای در توالی وقایعی است که همه حوادث آینده را تحت تأثیر قرار می‌دهد و اقتصاد، سیاست، فرهنگ، ارتباطات بین‌المللی را بی ثبات می‌سازد (سجادی، ۱۳۹۲: ۱۴). این واژه مترادف ازهم‌گسیختگی، بی‌نظمی، شکنندگی بیش‌ازحد معمول، تهدید ارزش‌ها، بی‌ثباتی اجتماعی – سیاسی، مخاصمه نظامی و همانند آن تعریف شده است (عبدالهی،۱۳۹۱: ۳۴). دانش و دسترسی به موقع و موثق به رویدادها و وقایع با پشتیبانی فناوری‌های نوین، از الزامات فرایند مدیریت بحران بوده و با ایجاد اشراف اطلاعاتی که زائده دانش و آگاهی است، نقش

چشمگیری در شناخت تهدیدها، تحلیل مسائل، شناسایی الگوها، تصمیم سازی، و اتخاذ تدابیر مؤثر توسط مراجع برنامه‌ریز و تصمیم گیرنده دارد (چشم براه و همکاران، ۲۷:۱۳۹۴) (شکل ۲).



شکل ۲ چرخه آگاهی و اقدام در شرایط مختلف

نگارندگان، ۱۳۹۵

برخلاف مدیریت کلاسیک که عموماً از روش‌های متداول و ساختار یافته استفاده می‌کند، مدیریت بحران عمدتاً مبتنی بر شیوه‌ها و رویکردهای اقتضایی، ابتکاری و هوشمندانه است، و به باور بسیاری، عکس‌العمل‌های بعدی و درازمدت در مقابل بحران است که مفهوم مدیریت بحران را تلقی می‌بخشد (امیری، ۳۴:۱۳۸۷) و بی شک نیازمند آگاهی و دانش اجتماعات و مدیران آن‌ها در خصوص بحران و نحوه کاهش و مدیریت آن است. درواقع دانش مدیریت بحران عبارتست از مجموعه‌ای از دانش (صریح یا ضمنی، خودآگاه یا نا خودآگاه) که به فرد، گروه یا سازمان امکان پیگیری یا مدیریت اثر یخش بحران یا آثار ناشی از آن را می‌دهد. دانش مدیریت بحران، مجموعه‌ای از دانش است که امکان برنامه‌ریزی برای پیش‌بینی، پیش گیری، کنترل، اداره و حل بحران را فراهم می‌سازد. هدف دانش مدیریت بحران تلاش برای

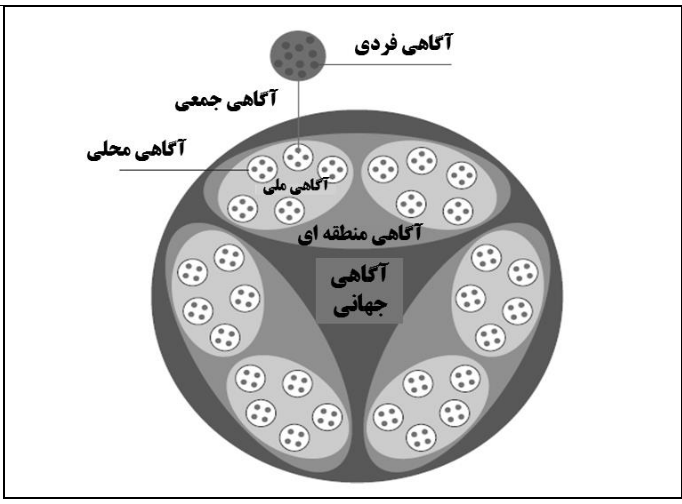
شناسایی و افزایش سطح دانش در خصوص مراحل مختلف مدیریت بحران و اقداماتی است که مردم محلی باید در هریک از مراحل بحران از آن آگاهی داشته باشند، آن را فرا بگیرند و متناسب با آن عمل کنند (کاپولا[1] ۲۰۰۷: ۸). امروزه با طرح و تأکید بر دیدگاه‌هایی نظیر رویکردهای اجتماعی مدیریت بحران، بسیاری از وظایف مطرح شده برای مدیران بحران، از حیطه مدیریت کلان فضایی به اجتماعات محلی انتقال یافته است که لزوم ارتقای دانش و آگاهی اجتماعات محلی را ضرورت بخشیده است. سیری در ادبیات مدیریت بحران نشانگر این است که در مقوله مدیریت بحران، سه دیدگاه متمایز وجود دارد:

۱- دیدگاه سنتی: این دیدگاه بحران را اساساً یک پدیده و وضعیت منفی و نامطلوب می‌داند که به هر نحوی باید از آن پرهیز کرد. بر اساس این نگرش، بحران‌های دارای ماهیت کاملاً مخرب و بازدارنده‌اند (میرس[2] ۱۹۸۸: ۴۶).

۲- دیدگاه قانون طبیعی: طرفداران این دیدگاه، بحران را جزئی از طبیعت زندگی بشری می‌دانند که چه بخواهیم و چه نخواهیم رخ می‌دهد، با این تفاوت که نسبت به دیدگاه اول، سعی در انکار و اجتناب از بحران ندارند، بلکه نسبت به آن موضعی کاملاً منطقی بر می‌گزینند.

۳- دیدگاه تعاملی: این دیدگاه نگاهی کاملاً متفاوت نسبت به مقوله بحران دارد و برخلاف دیدگاه‌های قبل، به بحران به دیده‌ی مثبت می‌نگرد و معتقد است که نه تنها نباید آن را نفی و انکار کرد، بلکه در مواقعی نیز باید به استقبال آن رفت. برخلاف دیدگاه اول که دیدگاه سکون و ثبات و دیدگاه دوم که دیدگاه مقابله و واکنش است، دیدگاه تعاملی دیدگاه پویایی، تغییر و تحرک اجتماعی است و بر همین اساس بحران‌ها را بخشی از دیالکتیک اجتماعی می‌داند که برای رشد و توسعه جامعه لازم و ضروری هستند (گیری[3] ۲۰۰۱). درواقع این دیدگاه بدون ارتقاء دانش و آگاهی اجتماعی بازیگران مختلف و ذینفعان مدیریت بحران تحقق نخواهد یافت و دستیابی به سطوحی از دانش و آگاهی جزء لاینفک تحقق آن می‌باشد. شکل زیر تأثیر سطوح و مقیاس‌های مختلف آگاهی در دستیابی به آگاهی فراگیر از موضوعات مختلف را نشان می‌دهد. همانطور که قابل مشاهده است، آگاهی فردی پایه و اساس دستیابی به سایر سطوح آگاهی می‌باشد (شکل ۳).

1 cupola
2 Myers
3Geary



شکل ۳ مقیاس‌های و سطوح فراگیری آگاهی و دانش مدیریت بحران

فدراسیون بین‌المللی و جامعه هلال سرخ[1] ۲۰۱۳

بر اساس ماهیت برخورد با بحران در هر مرحله از آن، به دانش خاصی از مدیریت بحران نیاز است و مردم محلی می‌بایست دانش اولیه را در مورد اینکه در هر مرحله از بحران چه اقدامی انجام شود، فرا گیرند. جدول زیر به گام‌های دانش و آگاهی در مراحل مدیریت بحران اشاره می‌نماید.

جدول ۲ جایگاه دانش در مدیریت بحران

فازهای مدیریت بحران	دانش لازم برای مدیریت بحران
فاز پیشگیری	دانش شناسایی مناطق بحرانی و مکانهای پرخطر، دانش مقاومسازی ساختمان‌ها، دانش تشویق بیمه کردن دارایی، دانش ارائه آموزش‌های مقابله با بحران، دانش و آگاهی از نحوه مدیریت کاربری اراضی
فاز آمادگی و مقابله	دانش تشکیل تیم‌های گروهی مدیریت بحران، دانش رهبری مردمی، دانش کار با سیستم‌های هشدار و اطلاع رسانی، دانش نحوه تهیه، ذخیره سازی و توزیع مواد غذایی در شرایط بحرانی، جمع‌آوری اطلاعات، دانش امدادهای اولیه و برقراری ارتباط با مراکز زیربط، مدیریت بازماندگان و مجروحان، تخمین خسارت‌های مالی و جانی، مدیریت حوادث پس از بحران، بسیج عمومی و سازماندهی نیروهای محلی، مدیریت هزینه‌ها، کالاها و خدمات دریافتی، پژوهش، برنامه‌ریزی، ایجاد ساختارهای مدیریتی، آموزش، تأمین منابع، تمرین و مانور،
فاز بازسازی	– دانش بازسازی نخاله‌ها، ضایعات و آلودگی‌ها، دانش بهبود وضعیت اسکان اردوگاه‌های موقت، دانش شناخت محل‌های جدید ساخت بناها و تاسیسات، دانش برآورد میزان خرابی‌ها، دانش نحوه جلب کمک‌ها و اعتبارات بازسازی، دانش مکانیابی مجدد دور از خطر ساخت و سازها و...

منبع: اخوان و درویش زاده، ۱۳۹۰: ۱۵۵، وزین، ۳۴:۱۳۸۶

1International Federation of Red Cross and Red Crescent Societies

در اهمیت عنصر آگاهی همین نکته کافی است که امروزه این ایده که در بین عوامل محرک و بستر ساز برنامه‌های اقدام برای توسعه پایدار روستایی، شاید مهم‌ترین عامل، ادراک و آگاهی ساکنان مناطق روستایی از رویدادهای محیط پیرامونشان باشد، مورد توجه و اتفاق اکثر صاحب نظران و دست اندرکاران برنامه‌ریزی و توسعه روستایی قرار گرفته است. لذا با توجه با مطالعه متون و ادبیات موجود استنباط می‌شود، اغلب پارادایم‌های جدید توسعه پایدار روستایی بر اهمیت نقش آگاه سازی و آگاهی روستاییان تأکید دارند و راهبرد مناسب برای این منظور را نیز، اکثریت غالب رهیافت‌های ترویجی- اطلاع رسانی می‌دانند.

به عنوان یک اصل، در توسعه باید بیشتر به ایجاد، پرورش و یا ارتقای آن دسته از متغیرهایی توجه داشت که گسترده‌تر، دائمی‌تر، فناناپذیرتر، همگانی‌تر، و مولدتر باشد. در بین همه متغیرهای کیفی ارتقا بخشی عنصر آگاهی، مردمی‌ترین و در عین حال به‌طور ذاتی انحصارناپذیرترین و پایان ناپذیرترین منبع قدرت و ثروت محسوب می‌شود. اهمیت و جایگاه دانش و آگاهی در فرایند توسعه پایدار تا به آن اندازه است که در نهایت از سال ۱۹۸۸- ۱۹۹۹م. در گزارش‌های توسعه جهانی (که از طرف بانک جهانی منتشر می‌شود) همواره به آن توجه شده است (فاضل نیا، ۱۱۶:۱۳۸۳). امروزه اکثر صاحبنظران فرایند مدیریت بحران به این اذعان دارند که برخورداری از عنصر آگاهی و دانش مواجهه با بحران‌ها و حوادثی که روی می‌دهد مفروضه اصلی در موفقیت مدیریت بحران می‌باشد که از آن به عنوان حلقه گمشده فرایند مدیریت بحران یاد می‌کنند (ایمانی و عمران زاده، ۱۳۸۸: ۱۲). محرومیت جامعه روستایی از تجهیزات مقابله با حوادث و تشکیلات مدیریت بحران یا گروه‌های داوطلب و نیز اقدام دیر هنگام نهادهای مرتبط با مدیریت بحران که در هنگام اضطرار عمدتاً در شهرها مستقر هستند، سبب افزایش خسارات ناشی از وقوع حوادث و بلایای مختلف در روستاها می‌شود. با توجه به روحیه خودکفایی در جامعه روستایی، آگاهی داشتن و برخورداری از دانش لازم در هنگام وقوع بحران‌ها و بلایای مختلف می‌تواند نقش موثری در کاهش خسارات ناشی از وقوع بحران داشته باشد و باعث موفقیت سیستم مدیریت بحران می‌شود (موسوی، ۳:۱۳۹۰). مدیریت بحران در صورت بهره مندی از آگاهی و دانش لازم می‌تواند پیامدهای منفی بحران و مخاطرات را به شدت کاهش دهد و در غیر این صورت، اثر بخشی و کارایی آن بسیار ضعیف خواهد بود (جعفری و همکاران، ۱۳۸۵: ۳۲). دانش و آگاهی لازم از بروز انواع بحران‌ها و نحوه مقابله با آن‌ها در نواحی روستایی می‌تواند از منابع مختلفی اقتباس شود که عبارتند از:

- **آموزش** که از اهداف آن می‌توان به ارتقاء فرهنگ عمومی گروه‌های کثیری از جوامع انسانی بخصوص روستاییان که از حداقل امکانات مقابله با بحران‌ها بهره مند می‌باشند، اشاره کرد، زیرا در مقایسه با با ابعاد هنگفت خسارات جانی و مالی حاصل از بحران، هزینه آموزشی روستاییان بسیار ناچیز است. نحوه ارائه برنامه‌های آموزشی مقابله با بحران‌ها می‌تواند شامل: **حضوری:** شرکت در کلاس‌ها، دوره‌های آموزشی،

بازدید صحرایی. **غیرحضوری:** از طریق صدا و سیما (فیلم‌های آموزشی، مستند) کتب و جزوات باشد (شکل ۴).

– **استفاده از دانش بومی برای کاهش آسیب پذیری محیطی:** روستاییان و کشاورزان همواره بدنبال پیدا کردن راه‌های متنوعی برای کاهش این بلایا و مقابله با ان بوده‌اند و به مرور زندگی خود را با آسیب‌های ناشی از این بلایا تطبیق داده‌اند. سازکارهای مختلفی به شکل کاملاً عملیاتی در مناطق روستایی برای مقابله با بحران‌ها و آسیب‌های محیطی بکار گرفته می‌شود که شاهدی بر این ادعاست. دانش بومی روستاییان منبع تجربی و مطمئنی برای متخصصان مسائل روستایی برای مواجهه با آسیب‌های محیطی در این نواحی است که نه تنها مدیریت مناسب بحران را در پی دارد بلکه هزینه‌های مقابله نیز هم حداقلی است[1](هانسون و همکاران، ۲۰۰۸: ۲۷).



شکل ۴ نقش آموزش در آماده سازی اجتماعات برای پذیرش فرهنگ مشارکت
نگارندگان، ۱۳۹۵

– **مشارکت روستاییان:** گروه‌های مردمی منابع ارزشمندی برای اجرای فازهای مدیریت بحران هستند. نقش تسهیل گرایانه دولت و زمینه سازی های ترغیبی و فرهنگ سازانه آن در کنار مشارکت آگاهانه روستاییان می‌تواند به مناسب‌ترین شکل ممکن به مقابله با بحران‌ها و حوادث منتهی می‌گردد. اگر این

1 Hansson

مشارکت اتفاق بیفتد روستاییان مبادرت به اقدامات پیشگیرانه چون تشکیل صندوق‌های همیاری بحـران‌هـا و بیمه خواهند کرد.

– **ایجاد مراکز ایمنی در روستاها:** ایجاد مراکز ایمنی و امـداد و نجـات در مراکـز روسـتایی و آگـاهی از نحوه کار با تجهیزات و همچنین آگاهی از تدارک امکانات کافی برای ارائه خدمات مناسـب بـه هنگـام بـروز بلایای طبیعی می‌تواند موفقیت سیستم مدیریت بحران را در پی داشته باشد (سلمانی و ایمانی، ۱۳۸۷:۵۰).

ازآنجایی‌که جامعه روستایی به عنوان اولین سطح مواجهه با بحران‌ها، بیشـترین خسـارات و آسـیب‌هـا را متحمل می‌شوند و از سویی امکانات و زیرساخت‌های نهادی محدود در این فضاها که زمینه حضـور عناصـر بیرونی مدیریت بحران را در این فضاها به شدت کاهش مـی‌دهـد، در بسـیاری از کشـورهای دنیـا تأکیـد بـر بکارگیری مشارکت و حضور خود اجتماعات در فرایند مدیریت مخاطرات و بحران‌ها مطرح و اجرا می‌شـود. رویکرد اجتماع محور در مدیریت بلایا به عنوان نوین‌ترین رویکردهای مدیریت بحرانَ، دارای رونـدی پـایین به بالا است که به مشارکت مردم در حل بحران‌هـای ناشـی از وقـوع سـوانح طبیعـی توجـه دارد (رفیعیـان و همکاران، ۸:۱۳۹۱). در میان اهدافی که برای این رویکرد در نظر گرفته شده، ارتقاء آگاهی و شناخت، ظرفیـت مردم محلی برای سازگاری با خطرهای ناشی از بلایای طبیعی، اهمیت بیشتری دارند.

در سال‌های اخیر بسیاری از اجتماعات روستایی کشور ما، با پدیده اقلیمی گرمایش و خشکسالی دست و پنجه نرم می‌کنند و به واسطه وقوع این بحران خزنده، خسـارت‌هـای کشـاورزی، کـاهش درآمـد، بیکـاری و مهاجرت از نواحی روستایی به سوی شهرها در پی یافتن فرصت‌های شغلی بهتر و یـا در شـرایط خوشـبینانه تری تغییر محصولات کشت به سوی محصولات کمتر نیازمند به آبیاری روسـتاها را بـا مخـاطرات ناپایـداری بسیاری مواجه ساخته است که میزان آسیب پذیری آن‌ها را افزایش خواهد داد. درواقع ایـن جوامـع در خـط مقدم تهدیدات خشکسالی قرار دارند و هرگونه طرحی برای مـدیریت بحـران خشکسـالی بـهماننـد یکـی از محورهای بنیادین مدیریت روستایی می‌بایست با اولویت بخشی به توانمندسازی جوامـع روسـتایی در زمینـه آگاهی و شناخت بحران‌هایی همانند خشکسالی، راه‌های مقابله با این نوع بحـران کـه اسـتراتژی‌هـای متنـوع درآمدی می‌باشد آن‌ها را در این مسیر رهنمون سازد. اولین گام برای مقابله با بحـران خشکسـالی در نـواحی روستایی و تعدیل اثرات آن، آگاهی، شناخت و درک دقیق واقعیت خشکسـالی، بـویژه علـل وقـوع و اثـرات متقابل پیامدها و علل چندگانه آن است و گام بعدی، اتخاذ راهبردها و انتخاب راهکارهایی است که بر اساس آن بتواند با پیامدهای این پدیده، مقابله و اثرات زیانبار آن را مهار نموده و یا کاهش داد. براساس آنچه در بالا بیان شد، در راستای سنجش میزان آگاهی روستاییان در برابر بحران‌هـایی نظیـر بحـران خشکسـالی مـی‌تـوان شاخص‌ها و متغیرهایی به شرح زیر را مطرح نمود.

جدول ۳ شاخص‌ها و متغیرهای سنجش میزان آگاهی و دانش روستاییان در برابر بحران خشکسالی

ابعاد	متغیر	شاخص
پیشگیری	شناخت مخاطره و اثرات	آگاهی از علائم مخاطره خشکسالی
		آگاهی از اثرات مخاطره خشکسالی
		آگاهی از مناطق تحت تأثیر مخاطره خشکسالی
	پیش‌بینی و هشدار در زمینه مخاطره	آگاهی از پیش‌بینی
		روش‌های هشدار
	اقدامات پیشگیرانه در کاهش آسیب‌ها	آگاهی از الگوهای آبیاری
		آگاهی تغییر الگوی کشت
		آگاهی از بیمه محصولات
		آگاهی از نحوه مدیریت مصرف آب
		آگاهی از منابع آب زیرزمینی
آمادگی	تأمین منابع واکنش و رویارویی	آگاهی از منابع ذخیره آب و نحوه تأمین آن برای مواقع اضطراری
		آگاهی از پس انداز مالی برای زمان تشدید خشکسالی
		آگاهی از راه‌های تأمین مواد غذایی و ... در شرایط تشدید خشکسالی
		تجربه و دانش خشکسالی
	منابع درآمدی جایگزین	آگاهی از مشاغل و فرصت‌های جایگزین (باغداری)
		آگاهی از مشاغل و فرصت‌های جایگزین (دامداری)
		آگاهی از روش‌های غیر زراعی کسب درامد (صنایع‌دستی)
بازسازی	بازسازی خسارات	آگاهی از روش‌های بازسازی بخش دامداری
		آگاهی از روش‌های بازسازی بخش کشاورزی
		آگاهی از روش‌های بازسازی منابع آب زیرزمینی
		آگاهی از روش‌های بازسازی زیرساخت‌های خدماتی
	مدیریت مصرف	آگاهی از شیوه‌های سازماندهی مصرف آب
		آگاهی از شیوه‌های کاهش هدررفت
نهادی- مدیریتی	حمایت‌های نهادی	آگاهی از اعتبارات مرتبط
		شناخت نهادهای مسئول
	عملکرد مدیران محلی	آگاهی از وظایف دهیاران

منبع: اخوان و درویش زاده، ۱۳۸۹؛ سجاسی و همکاران، ۱۳۹۳؛ صادقلو و عزیزی، ۱۳۹۴؛ افتخاری و همکاران، ۱۳۹۳؛ صادقلو و همکاران، ۱۳۹۳؛ و ...

۲. مواد و روش‌ها

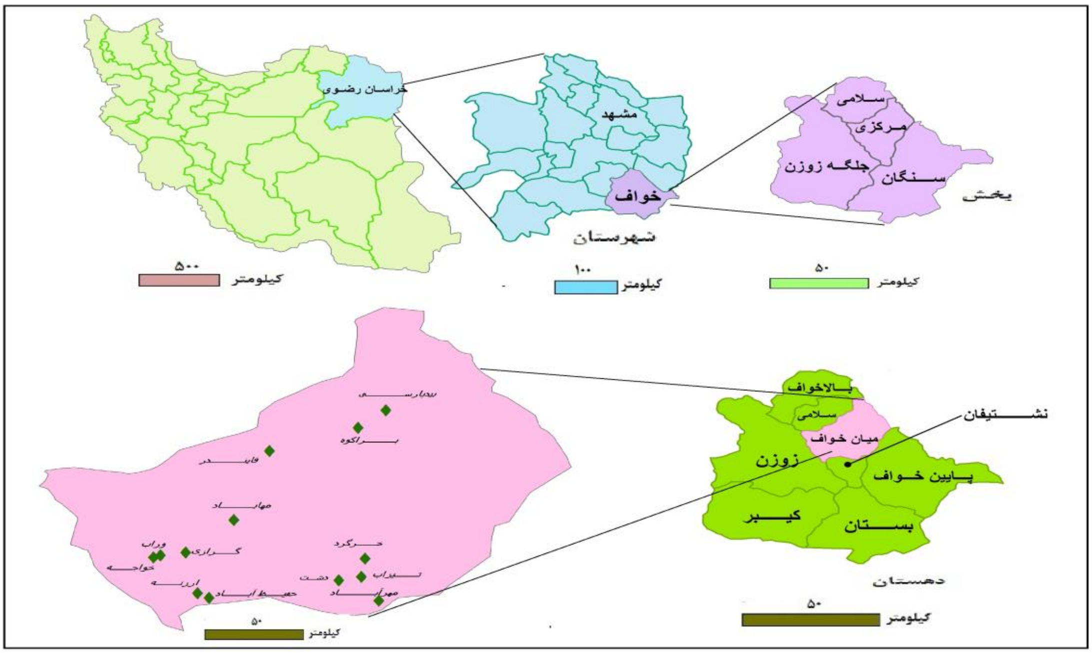
مطالعه حاضر با رویکرد توصیفی – تحلیلی و ماهیت کاربردی به دنبال بررسی و سنجش میزان آگـاهی و دانش مدیریت بحران خشکسالی میان خانوارهای روستایی دهستان میان خواف شهرستان خـواف اسـت، کـه دو گام اساسی را دربرمی گیـرد: ۱. تعیـین شـاخص‌هـا و معیارهـای سـنجش دانـش مـدیریت بحـران میـان خانوارهای روستایی که با استفاده از تحقیـق و مطالعـات کتابخانـه‌ای – اسـنادی صـورت گرفتـه اسـت و ۲. مطالعات میدانی به شیوه پیمایشی پرسشنامه انجام شده است. این پرسشنامه در بردارنده ۶۴ گویه در قالـب ۴ بعد مدیریت بحران، مستخرج از چارچوب نظری برای سنجش سطح دانـش روسـتاییان در مـدیریت بحـران خشکسالی بود. ابزار سنجش مسئولیت پذیری اجتماعی در بین خانوارهای روستاهای مـورد مطالعـه بر اساس رویکرد روانشناختی با مقیاس پنج گزینه‌ای لیکرت (خیلی کم، کـم، متوسـط، زیـاد و خیلـی زیـاد) طراحی شد و برای بررسی پایایی، از شیوه آلفای کرونباخ استفاده شـده اسـت. پایـایی کلـی پرسشـنامه برابـر ۰,۸۰۵است. همچنین با توجه به نتایج آزمون آلفاکرونباخ، موردی در پرسشنامه وجود ندارد که با حـذف آن، پایایی پرسشنامه به اندازه معناداری افزایش یابد. در نهایت براساس روش مزبور، پایایی هریک از مقیاس‌هـای پنج گانه برآورد شد (جدول ۴).

جدول ۴ پایایی ابعاد چهارگانه دانش مدیریت بحران خسکسالی

متغیر اصلی	ابعاد	تعداد گویه	ضریب پایایی
دانش مدیریت بحران	پیش گیری	۲۶	۰,۸۰۸
	آمادگی	۱۴	۰,۷۷۹
	بازسازی	۱۶	۰,۷۷۷
	نهادی- مدیریتی	۸	۰,۷۷۵
اعتبار کلی		۶۴	۰,۷۸۴

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۵

همچنین به‌منظور اطمینان از روایی پرسشنامه، ده تن از اساتید متخصص دانشگاهی، مسئولین بخشداری و مهندسین جهاد کشاورزی شهرستان خواف پس از مطالعه عمیق سؤال‌های پرسشـنامه نظـرات خـود را اعـلام کردند که پس از بحث و بررسی و اصلاحات مورد نظر، روایی پرسشنامه تأیید شـد. بعـد از تـدوین پرسـش نامه، برای به دست آوردن اطلاعات مورد نیاز از طریق ارتباط مستقیم و حضـوری بـا خانوارهـای روسـتایی، داده‌ها جمع‌آوری شدند. جامعه آماری مطالعه را کلیـه روسـتاهای دهسـتان میـان خـواف شهرسـتان خـواف، تشکیل می‌دادند (شکل ۶).



شکل ۶ موقیعت منطقه مورد مطالعه منبع

یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۵

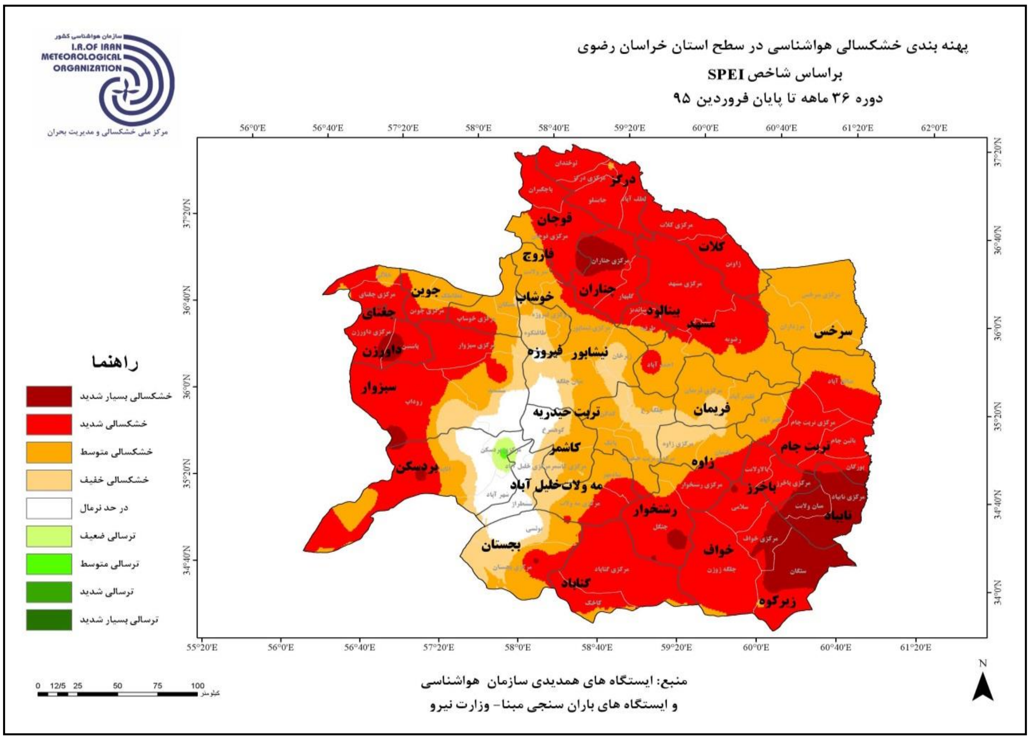
تعیین حجم نمونه طی دو مرحله انجام گرفته است. در مرحله اول تعداد روستاهای مورد مطالعه محاسبه و تعیین گردید و در مرحله دوم تعیین حجم نمونه از میان تعداد خانوارهای ساکن اقدام شده است. در این دهستان ۱۵ روستا وجود دارد که باتوجه به وجود روستای زیر ۲۰ خانوار (۲ روستا حذف شده)، ۱۳ روستاها باقی مانده به عنوان روستاهای مورد مطالعه، مبنای تعیین حجم نمونه و تکمیل پرسشنامه قرار گرفت است. در گام بعدی تعداد مجموع خانوار این ۱۳ روستا از طریق فرمول مبنای محاسبه حجم نمونه برای تکمیل پرسشنامه قرار گرفت که خانوار این ۱۳ روستاکه در جدول ۴مشخص شده‌اند، در این مجموع طبق آمار سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۰ دارای ۱۹۶۴ خانوار می‌باشند که از طریق فرمول کوکران با خطای ۶ درصد، حجم نمونه ۲۳۵ خانوار به دست آمد. امّا به دلیل آنکه در مورد روستاهایی که جمعیت آن‌ها کمتر از ۱۰۰خانوار بودند و براساس فرمول کوکران تعداد نمونه کمتر از ۱۰ نفر نمی‌تواند بیانگر وضعیت باشد، بنابراین برای به دست آوردن نمونه کافی برای روستاهای کمتر از ۱۰۰ خانوار حداقل لازم یعنی ۱۰ نمونه در نظر گرفته شد و درنتیجه تعداد کل نمونه به ۲۶۰ خانوار افزایش یافت و به روش نمونه‌گیری طبقه‌ای متناسب با هر طبقه از بخش مرکزی شهرستان خواف انتخاب و مورد پرسشگری قرار گرفتند (جدول ۵).

جدول ۵ توزیع نمونه‌ها در روستاهای سه بخش مرکزی، سنگان و سلامی

بخش	دهستان	روستا	تعداد خانوار	تعداد نمونه	اصلاح نمونه
مرکزی	میان خواف	تیزاب	۲۶۶	۳۱٫۸۲	۳۲
		مهراباد	۵۲۴	۶۲٫۶۹	۶۳
		خرگرد	۳۶۱	۴۳٫۱۹	۴۳
		ارزنه	۶۶	۷٫۸۹	۱۰
		حفیظ آباد	۵۶	۶٫۷	۱۰
		خواجه	۷۸	۹٫۳۳	۱۰
		دشت	۳۰	۳٫۵۸	۱۰
		گرازی	۸۶	۱۰٫۲۹	۱۱
		مهاباد	۳۴	۴٫۰۶	۱۰
		وراب	۸۷	۱۰٫۴۰	۱۱
		براکوه	۵۷	۶٫۸۲	۱۰
		فایندر	۲۵۲	۳۰٫۱۵	۳۰
		بیدپارسی	۶۶	۷٫۸۹	۱۰
جمع	-	-	۱۹۶۴	۲۳۵	۲۶۰

۳. منطقه مورد مطالعه

دهستان میان خواف از توابع بخش مرکزی شهرستان خواف در استان خراسان رضوی است و طبق سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰جمعیتی برابر با ۸۵۳۷ نفر و ۱۹۹۱خانوار و ۱۵ روستا دارد (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰). این دهستان در شرق و شمال شرق به شهرستان تایباد، از جنوب به دهستان پایین خواف شهرستان خواف و از شمال به دهستان بالاخواف و از غرب به دهستان زوزن محدود شده و ارتفاع آن از سطح دریا ۹۵۰متر تا ۱۲۷۰ متر در نوسان است. میانگین بارندگی شهرستان خواف ۱۴۲٫۲ میلی متر یعنی حدود ۸۳ در تا میانگین دنیا و ۳۵ درصد تا میانگین ایران فاصله دارد و براساس ضریب دمارتن نوع آب و هوای آن فراخشک می‌باشد (میرزاده اسدآبادی، ۱۳۹۰: ۵۷و ۶۷). این دهستان مانند سایر دهستان‌های شهرستان خواف با بحران خشکسالی مواجه می‌باشد و هرساله خسارات‌های اقتصادی و اجتماعی زیادی را متحمل می‌شود. شکل (۵)، تکمیل کننده این مطلب می‌باشد که شهرستان خواف و بالاخص دهستان میان خواف این شهرستان در یک دوره ۳۶ ماه تا پایان فروردین ماه ۱۳۹۵ قسمت اعظم آن با خشکسالی بسیارشدید و قسمت اندکی باخشکسالی شدید روبه رو بوده است.



شکل ۵ پهنه بندی خشکسالی هواشناسی در سطح استان خراسان رضوی و شهرستان خواف

به‌منظور تجزیه و تحلیل داده‌های گردآوری شده با توجه به اهداف و سؤالات پژوهش، از آمار توصیفی (جدول توزیع فراوانی، درصد فراوانی، درصد فراوانی تجمعی و میانگین) و آمار استنباطی (ضرایب همبستگی و آزمون‌های واریانس یک طرفه و T تک نمونه‌ای) و مدل‌های اولویت‌بندی (مدل کوپراس[1]) استفاده گردید. به این منظور، از نرم افزار Spss20 استفاد شد.

۴. نتایج و بحث

توصیف یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که نمونه آماری مورد مطالعه بر حسب گروه سنی، در محدوده سنی ۱۸ الی ۶۵ سال قرار دارند. بیشترین تعداد نمونه در گروه سنی ۲۱ الی ۳۰ سال قرار دارند. بررسی ویژگی‌های سنی اعضاء نمونه مشخص کرد که گروه سنی ۲۱الی ۳۰ سال با ۳۸،۸ درصد در بالاترین رده و گروه سنی کمتر از ۲۰سال با ۰،۸ درصد در پایین‌ترین رده قرار دارند بررسی وضعیت جنسیت نیز نشان داد ۷۱،۹ درصد (۱۸۷نفر) مرد و ۲۸،۱ درصد (۷۳نفر) در تحقیق حاضر زن هستند. بررسی سطح تحصیلات نیز مشخص کرد که ۳۸،۸ درصد (۱۰۱نفر) نمونه دارای مدرک دیپلم هستند و ۱،۹ درصد (۵نفر) نمونه بی‌سواد و کمترین تعداد نمونه را دارا می‌باشد. وضعیت شغلی افراد نمونه مشخص کرد که بیشترین

1 COPRAS

حجم افراد نمونه را رده شغلی آزاد با ۵۱,۵ درصد (۱۳۴نفر)، دارا می‌باشد و به ترتیب شغل‌های کشاورزی، کارمند، دامداری و محصل در رتبه‌های بعدی قرار دارند. ابزار و منبع آگاهی افراد نمونه درباره بحران خشکسالی در پرسشنامه محقق ساخته با گزینه‌های، رسانه جمعی (تلویزیون، کتاب، روزنامه)، سالمندان و کشاورزان قدیمی، نهادهای مرتبط با امور کشاورزی، دهیاری‌ها و سایر موارد پرسشگری شد که بیشتر افراد نمونه رسانه‌های جمعی را ابزار آگاهی از بحران خشکسالی معرفی کردند (جدول ۶).

جدول ۶ ویژگی‌های عمومی کشاورزان نمونه (منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۵)

ویژگی عمومی	گروه‌ها	فراوانی مطلق هر گروه	درصد فراوانی	ویژگی عمومی	گروه‌ها	فراوانی مطلق هر گروه	درصد فراوانی
جنسیت	مرد	۷۳	۲۸,۱	گروه‌های سنی	کمتر ۲۰سال	۲	۰,۸
	زن	۱۸۷	۷۱,۹		۲۱-۳۰سال	۱۰۱	۳۸,۸
	جمع	۲۶۰	۱۰۰,۰		۳۱-۴۰سال	۶۱	۲۳,۵
سطح تحصیلات	بی‌سواد	۵	۱,۹		۴۱-۵۰سال	۵۶	۲۱,۵
	ابتدایی	۵۳	۲۰,۴		۵۱و بالاتر	۴۰	۱۵,۴
	سیکل	۴۷	۱۸,۱		جمع	۲۶۰	۱۰۰,۰
	دیپلم	۱۰۱	۳۸,۸	شغل	کشاورزی	۵۶	۲۱,۵
	فوق‌دیپلم	۱۶	۶,۲		دامداری	۲۵	۹,۶
	لیسانس وبالاتر	۳۸	۱۴,۶		کارمند	۴۳	۱۶,۵
	جمع	۲۶۰	۱۰۰,۰		محصل	۲	۰,۸
ابزار آشنایی با خشکسالی	رسانه‌ها	۲۰۷	۷۹,۶		آزاد	۱۳۴	۵۱,۵
	سالمندان روستا	۲۷	۱۰,۴		جمع	۲۶۰	۱۰۰,۰
	نهادهای مرتبط	۱۶	۶,۲				
	دهیار و مدیران	۱۰	۳,۸				
	جمع	۲۶۰	۱۰۰				

همان‌گونه که توضیح داده شد، سطح آگاهی روستاییان درباره مدیریت بحران خشکسالی با استفاده از پرسش‌های مختلفی مورد سنجش قرار گرفت (۶۴ سؤال با طیف لیکرت). جدول (۷)، میانگین رتبه‌ای، درصد و فراوانی گویه‌های مرتبط با سنجش آگاهی درباره مدیریت بحران خشکسالی در روستاهای مورد مطالعه را نشان می‌دهد.

جدول ۷ میانگین و درصد گویه‌های آگاهی و دانش مدیریت بحران خشکسالی

متغیر	خیلی کم		کم		متوسط		زیاد		خیلی زیاد		میانگین
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	
شناخت مخاطره و اثرات	۲	۰,۸	۳۴	۱۳,۱	۱۹۲	۷۳,۸	۳۲	۱۲,۳	۰	۰	۲,۵۳۴
پیش‌بینی و هشدار مخاطره	۴۲	۱۶,۲	۱۸۵	۷۱,۲	۳۳	۱۲,۷	۰	۰	۰	۰	۲,۵۹۸
اقدامات پیشگیرانه	۴۴	۱۶,۹	۲۱۳	۸۱,۹	۲	۰,۸	۰	۰	۰	۰	۲,۳۱۲
تأمین منابع واکنش ورویارویی	۱۰۰	۳۸,۵	۱۶۰	۶۱,۵	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۲,۱۵۰
منابع درآمدی جایگزین	۱۱۱	۴۲,۷	۱۴۷	۵۶,۵	۲	۰,۸	۰	۰	۰	۰	۲,۱۷۸
بازسازی خسارات	۴۲	۱۶,۲	۲۱۸	۸۳,۸	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۲,۳۹۱
مدیریت مصرف	۵۰	۱۹,۲	۲۰۸	۸۰,۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۲,۳۶۷
حمایت‌های نهادی	۲۹	۱۱,۲	۲۰۷	۷۹,۶	۲۴	۹,۲	۰	۰	۰	۰	۲,۵۱۹
عملکرد مدیران محلی	۵	۱,۹	۴۷	۱۸,۱	۱۷۵	۶۷,۳	۳۳	۱۲,۷	۰	۰	۲,۶۲۸

یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۵

یافته‌های استنباطی

در بخش یافته‌های استنباطی، با استفاده از نتایج حاصل از تکمیل پرسشنامه بـه تحلیـل و سـنجش سـطح دانش و آگاهی روستاییان درباره مدیریت بحران خشکسالی در چهـار بعـد پـیش‌بینـی، آمـادگی، بازسـازی و نهادی – مدیریتی و از طریق مجموعه شاخص‌ها و پرسش‌ها پرداخته شد.

برای تحلیل و شناسایی وضعیت موجود دانش مدیریت بحران خشکسالی بین روستاییان (سؤال و فرضـیه اول)، آزمون T تک نمونه‌ای انجام شد. بنابر نتایج آزمون T تک نمونه‌ای می‌توان گفـت کـه دانـش و آگـاهی درباره مدیریت بحران خشکسالی بین روستاییان روستاهای مورد مطالعه پـایین‌تـر از حـد متوسـط (۳) اسـت به‌ویژه در دو متغیر تأمین منابع واکنش و رویارویی منـابع درآمـدی جـایگزین کـه نسـبت بـه سـایر متغیرهـا میانگین به دست آمده پایین‌ترین میزان است. ایـن نکتـه نشـان دهنـده ضـرورت توجـه جـدی بـه آمـوزش روستاییان به عنوان حلقه اولیه و پایه در هنگام وقوع و بازسازی بحران است.

جدول ۸ میانگین و سطح معناداری متغیرهای دانش مدیریت بحران خشکسالی روستاییان (آزمون T)

متغیرها	میانگین	نمرهT	درجه آزادی	سطح معناداری	تفاوت از حد مطلوب	ضریب اطمینان ۹۵٪	
						کران پایین	کران بالا
شناخت مخاطره و اثرات	۲,۵۳۴	-۱۶,۸۷۶	۱۲	۰,۰۰۰	-۰,۴۶۶۰۳	-۰,۵۲۰۴	-۰,۴۱۱۶
پیش‌بینی و هشدار مخاطره	۲,۵۹۸	-۱۲,۲۲۸	۱۲	۰,۰۰۰	-۰,۴۰۱۹۲	-۰,۴۶۶۶	-۰,۳۳۷۲
اقدامات پیشگیرانه	۲,۳۱۲	-۲۹,۵۱۹	۱۲	۰,۰۰۰	-۰,۶۸۷۵۶	-۰,۷۳۳۴	-۰,۶۴۱۷
تأمین منابع واکنش و رویارویی	۲,۱۵۰	-۴۵,۶۸۵	۱۲	۰,۰۰۰	-۰,۸۴۹۵۲	-۰,۸۸۶۱	-۰,۸۱۲۹
منابع درآمدی جایگزین	۲,۱۷۸	-۳۵,۷۴۲	۱۲	۰,۰۰۰	-۰,۸۲۱۱۵	-۰,۸۶۶۴	-۰,۷۷۵۹
بازسازی خسارات	۲,۳۹۱	-۳۲,۸۲۸	۱۲	۰,۰۰۰	-۰,۶۰۸۶۵	-۰,۶۴۵۲	-۰,۵۷۲۱
مدیریت مصرف	۲,۳۶۷	-۲۵,۲۹۱	۱۲	۰,۰۰۰	-۰,۶۳۳۰۱	-۰,۶۸۲۳	-۰,۵۸۳۷
حمایت‌های نهادی	۲,۵۱۹	-۱۹,۱۸۰	۱۲	۰,۰۰۰	-۰,۴۸۰۷۷	-۰,۵۳۰۱	-۰,۴۳۱۴
عملکرد مدیران محلی	۲,۶۲۸	-۱۱,۰۸۹	۱۲	۰,۰۰۰	-۰,۳۷۱۱۵	-۰,۴۳۷۱	-۰,۳۰۵۲
دانش و آگاهی مدیریت خشکسالی	۲,۳۹۹	-۵۲,۶۶۵	۱۲	۰,۰۰۰	-۰,۶۰۰۱۶	-۰,۶۲۲۶	-۰,۵۷۷۷

یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۵

در مرحله بعد، به‌منظور بررسی رابطه بین برخی متغیرهای فردی و عمومی با متغیر وابسته یعنی سطح دانش و آگاهی مدیریت بحران خشکسالی بین روستاییان به تناسب و برحسب نوع متغیر از ضرایب همبستگی و همچنین برای روشن‌تر شدن رابطه بین متغیرهای سن و اشتغال با دانش مدیریت بحران خشکسالی از آزمون T با دو نمونه مستقل استفاده گردید (جدول ۹). همانطوری‌که در جدول (۹) مشاهده می‌شود، میانگین دانش مدیریت بحران خشکسالی به‌طورکلی برای افراد با سن کمتر از ۳۰سال و افراد با سن بیشتر از ۳۰سال به ترتیب ۲,۴۱ و ۲,۵۴ می‌باشد. این امر حکایت از آن دارد میزان دانش و آگاهی افراد مسن‌تر بیشتر از جوانان و افراد با سن کمتر از ۳۰سال است و تفاوت مشاهده شده براساس سطح معناداری ((۰,۰۱۹) که از آلفای ۰,۰۵ کمتر است) از لحاظ آماری معنادار می‌باشد. به زعم نگارندگان این تفاوت از بهره گیری افراد مسن‌تر از دانش بومی نسبت به جوانان که از دانش بومی فاصله گرفته‌اند و گستردگی فراگیری علوم مختلف در گذشته نسبت به حال که علوم کسب شده توسط افراد تخصصی شده و به حیطه خاصی محدود شده، ناشی می‌شود. همان طور که مشاهده می‌شود، میانگین دانش مدیریت بحران به‌طورکلی برای افراد با شغل‌های متخلف کشاورزی، دامداری، کارمند، محصل و آزاد به ترتیب ۲,۴۳، ۲,۴۰، ۲,۳۸، ۲,۳۷ و ۲,۳۷۳ می‌باشد. این امر نشان دهنده وجود تفاوت افراد نمونه در برخورداری دانش مدیریت بحران خشکسالی برحسب متغیر اشتغال آنان می‌باشد که، افراد با شغل‌های کشاورزی و دامداری نسبت به افراد با

شغل‌های کارمندی و آزاد از دانش و آگاهی مدیریت بحران بیشتر برخوردارند و تفاوت مشاهده شده براساس سطح معناداری ((۰,۰۰۳) که از آلفای ۰,۰۱کمتر است) از لحاظ آماری معنادار می‌باشد. متغیر سطح تحصیلات خانوارهای روستایی مورد مطالعه با دانش مدیریت بحران در آنان رابطه منفی معنی داری دارد؛ یعنی با بالارفتن متغیرسطح تحصیلات، می‌توان انتظار داشت که دانش مدیریت بحران خشکسالی کمتر باشد. این نتیجه تأمل برانگیز بوده و نیاز به توجیه دارد. شاید بتوان گفت که سطح تحصیلات به این خاطر ارتباطی منفی با سطح دانش مدیریت بحران دارد که در متون و کتب درسی دانش مدیریت بحران آموزش داده نمی‌شود؛ بنابراین نمی‌توان انتظار داشت که افراد بدون کسب معلومات و دانش مدیریت بحران، با آن به خوبی مقابله نمایند. همانطور که مشاهده می‌شود رابطه معناداری بین متغیر جنسیت و دانش مدیریت بحران وجود ندارد (جدول ۱۰).

جدول ۹ تفاوت میانگین دانش مدیریت بحران خشکسالی بر حسب ویژگی‌های فردی

متغیر مستقل	گزینه‌ها	میانگین	انحراف معیار	مقدارآزمون T	سطح معناداری
سن	ازکمتر ۳۰ سال	۲,۴۱	۰,۵۹	۶,۰۲	۰,۰۱۹
	بالاتر از ۳۰سال	۲,۵۴	۰,۵		
شغل	کشاورزی	۲,۴۳۶۴	۰,۲۲۱۴۹	۲,۳۹	۰,۰۰۳
	دامداری	۲,۴۰۳۰	۰,۰۲۰۸۷		
	کارمند	۲,۳۸۰۴	۰,۲۲۵۰۷		
	محصل	۲,۳۷۱۹	۰,۱۸۱۳۱		
	آزاد	۲,۳۷۳۱	۰,۱۶۴۳۲		

یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۵

جدول ۱۰ همبستگی میان ویژگی‌های عمومی و حرفه‌ای اعضاء نمونه و سطح دانش مدیریت بحران خشکسالی

متغیر مستقل	نوع متغیر	متغیر وابسته	نوع متغیر	آزمون	ضریب همبستگی	سطح معناداری
سطح تحصیلات	رتبه‌ای	دانش مدیریت بحران	رتبه‌ای	اسپیرمن	-۰,۱۴۴ *	۰,۰۳۶
جنس	اسمی	دانش مدیریت بحران	رتبه‌ای	اسپیرمن	-۰,۰۶۴	۰,۳۰۸

سطح معناداری کمتر یا مساوی ۰,۰۵ * منبع: یافته‌های پژوهش،۱۳۹۵

در این پژوهش به‌منظور بررسی تفاوت میان ویژگی‌ها و مؤلفه‌های ابعاد چهار گانه دانش مدیریت بحران خشکسالی خانوارهای روستایی روستاهای مورد مطالعه و مقایسه بین روستاهای مورد مطالعه در میانگین سطح دانش مدیریت بحران خشکسالی و مؤلفه‌های آن، از آزمون تحلیل واریانس یک طرفه ANOVA

استفاده شده است. در این آزمون، فرض صفر عبارت از عدم وجود تفاوت معناداری میان روستاهای مورد مطالعه در خصوص برخورداری از هریک ویژگی‌ها و مؤلفه‌های ابعاد دانش مدیریت بحران خشکسالی و فرض خلاف بیانگر وجود تفاوت معناداری بین روستاهای مورد مطالعه بوده است. نتایج محاسبات ANOVA در جدول (۱۱) خلاصه شده است.

جدول ۱۱ آزمون واریانس یک طرفه (آنوا) برای تعیین تفاوت معنادار در برخورداری ازویژگی های ابعاد چهارگانه دانش مدیریت بحران

	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری
درون گروهی	۱,۰۶۴	۱۲	۰,۰۸۹	۲,۸۵۱	۰,۰۰۱
برون گروهی	۷,۶۸۱	۲۴۷	۰,۰۳۱		
جمع	۸,۷۴۵	۲۵۹			

درکل بین خانوارهای روستایی در برخورداری از دانش مدیریت بحران خشکسالی براساس نتایج جدول (۱۱) تفاوت معناداروجود دارد. در این پژوهش به‌منظور بررسی تفاوت میان مؤلفه‌های ابعاد دانش مدیریت بحران و مقایسه میان روستاهای مورد مطالعه از آزمون تحلیل واریانس یک طرفه بهره گیری شده است. در این آزمون فرض صفر عبارت از عدم وجود تفاوت بین کل خانوارهای روستایی روستاهای مورد مطالعه از لحاظ برخورداری از ویژگی‌ها و مؤلفه‌های مدیریت بحران و فرض خلاف عبارت از وجود تفاوت بین خانوارهای روستایی روستاهای مورد مطاله است. باتوجه به میزان F و سطوح معناداری به دست آمده که در جدول (۱۲) در ارتباط با خانوارهای روستایی ارائه شده است، به این دلیل که فقط سطوح معناداری مربوط به مؤلفه‌های شناخت مخاطره و اثرات، پیش‌بینی و هشدار در زمینه مخاطره، اقدامات پیشگیرانه در کاهش آسیب‌ها، تأمین منابع واکنش، منابع درآمدی جایگزین، مدیریت مصرف و عملکرد مدیران محلی، کمتر از سطح آلفای ۰,۰۵ است، درنتیجه فرض‌های صفر مربوط به این آزمون رد می‌شود. به تعبیر دیگر، بین کل خانوارهای روستایی روستاهای مورد مطالعه در خصوص برخورداری از مؤلفه‌های یاد شده تفاوت معنادار وجود دارد، امّا بین کل خانوارهای روستایی روستاهای مورد مطالعه در خصوص برخورداری از مؤلفه‌های بازسازی خسارت و حمایت‌های نهادی، براساس میزان F و سطوح معناداری به دست آمده، تفاوت معناداری که ناشی از روستاهای مختلف باشد، مشاهده نگردیده است.

جدول ۱۲ نتایج آزمون واریانس یک طرفه برای مؤلفه‌های دانش مدیریت بحران خشکسالی

ابعاد	مؤافه ها		مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری
پیش‌بینی	شناخت مخاطره و اثرات	درون گروهی	۳,۵۷۳	۱۲	۰,۲۹۸	۲,۵۳۹	۰,۰۰۷
		برون گروهی	۴۷,۷۸۰	۲۴۷	۰,۱۹۳		
		جمع	۵۱,۳۵۳	۲۵۹			
	پیش‌بینی و هشدار مخاطره	درون گروهی	۲,۹۹۶	۱۲	۰,۲۵۰	۲,۵۲۸	۰,۰۰۳
		برون گروهی	۶۹,۷۵۳	۲۴۷	۰,۹۰		
		جمع	۷۲,۷۴۹	۲۵۹			
	اقدامات پیشگیرانه	درون گروهی	۰,۵۴۴	۱۲	۰,۴۴۵	۲,۵۷۹	۰,۰۰۲
		برون گروهی	۳۵,۹۹۰	۲۴۷	۰,۱۴۶		
		جمع	۳۶,۵۳۴	۲۵۹			
آمادگی	تأمین منابع واکنش و رویارویی	درون گروهی	۳,۱۳۳	۱۲	۰,۲۶۱	۳,۲۰۰	۰,۰۰۰
		برون گروهی	۲۰,۱۵۱	۲۴۷	۰,۸۲		
		جمع	۲۳,۲۸۴	۲۵۹			
	منابع درآمدی جایگزین	درون گروهی	۴,۲۵۰	۱۲	۰,۳۵۴	۲,۷۹۵	۰,۰۰۱
		برون گروهی	۳۱,۲۹۵	۲۴۷	۰,۱۲۷		
		جمع	۳۵,۵۴۵	۲۵۹			
بازسازی	بازسازی خسارات	درون گروهی	۱,۰۳۷	۱۲	۰,۰۸۶	۰,۹۶۶	۰,۴۸۲
		برون گروهی	۲۲,۱۱۲	۲۴۷	۰,۰۹۰		
		جمع	۲۳,۱۴۹	۲۵۹			
	مدیریت مصرف	درون گروهی	۲,۴۵۵	۱۲	۰,۳۶۴	۲,۷۹۶	۰,۰۰۱
		برون گروهی	۳۹,۷۲۹	۲۴۷	۰,۱۲۶		
		جمع	۴۲,۱۸۵	۲۵۹			
نهادی- مدیریتی	حمایت‌های نهادی	درون گروهی	۲,۸۸۷	۱۲	۰,۲۴۱	۱,۵۰۷	۰,۱۲۲
		برون گروهی	۳۹,۴۲۳	۲۴۷	۰,۱۶۰		
		جمع	۴۲,۳۱۰	۲۵۹			
	عملکرد مدیران محلی	درون گروهی	۱۲,۶۰۵	۱۲	۱,۰۵۰	۴,۱۳۰	۰,۰۰۰
		برون گروهی	۶۲,۸۲۸	۲۴۷	۰,۲۵۴		
		جمع	۷۵,۴۳۴	۲۵۹			

یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۵

با توجه به مشخص شدن وجود تفاوت بین روستاهای مورد مطالعه به لحاظ برخورداری از هر یک از شاخص‌های مورد مطالعه، در ادامه تلاش گردید تا با استفاده از روش اولویت بندی کوپراس[1] به عنوان یکی از روش‌های تصمیم گیری چند معیاره، به اولویت بندی روستاها به لحاظ سطح دانش مدیریت بحران خشکسالی در بین نمونه‌ها پرداخته شود.

1 COPRAS

برای این منظور دو گام اساسی: - تشکیل ماتریس میانگین شاخص‌ها و - محاسبه اوزان انجام شد و براساس گام‌های محاسباتی روش کوپراس، تکنیک اجرا شد. درگام اول، برای سنجش و اولویت‌بندی سطح دانش و آگاهی روستاییان درباره مدیریت بحران خشکسالی در روستاهای مورد مطالعه، ۹ قلمرو شامل شناخت مخاطره و اثرات، پیش‌بینی و هشدار در زمینه مخاطره، اقدامات پیشگیرانه درکاهش آسیب‌ها، تأمین منابع واکنش و رویارویی، منابع درآمدی جایگزین، بازسازی خسارات، مدیریت مصرف، حمایت‌های نهادی و عملکرد مدیران محلی به گار گرفته شدند. گویه‌های مربوط به هریک از قلمروهای دانش مدیریت بحران خشکسالی، مطابق با جدول (۱۳) از طریق طیف لیکرت اندازه‌گیری شدند و میانگین هر مؤلفه مطابق با خانوارهای نمونه هر روستا، مبنایی برای تشکیل ماتریس وضع موجود ارزیابی سطح دانش مدیریت بحران خشکسالی و اولویت‌بندی روستاهای مورد مطالعه، به شمار آمد.

جدول ۱۳ ماتریس وضع موجود، میزان مؤلفه‌های دانش مدیریت بحران در روستاهای مورد مطالعه

روستا	شناخت مخاطره و اثرات	پیش‌بینی و هشدار در زمینه مخاطره	اقدامات پیشگیرانه درکاهش آسیب‌ها	تأمین منابع واکنش و رویارویی	منابع درآمدی جایگزین	بازسازی خسارات	مدیریت مصرف	حمایت‌های نهادی	عملکرد مدیران محلی
تیزاب	۲,۵۷	۲,۵۲	۲,۳۶	۲,۲۱	۲,۳۶	۲,۴۴	۲,۴۱	۲,۶۱	۲,۴۵
مهراباد	۲,۴۶	۲,۶۱	۲,۳۰	۲,۰۵	۲,۰۶	۲,۴۱	۲,۳۳	۲,۴۳	۲,۶۸
خرگرد	۲,۵۲	۲,۴۸	۲,۲۶	۲,۱۸	۲,۰۹	۲,۴۴	۲,۳۲	۲,۴۸	۲,۴۲
ارزنه	۲,۷۸	۲,۶۵	۲,۳۱	۲,۱۸	۲,۰۳	۲,۴۴	۲,۳۹	۲,۶۱	۲,۴۰
حفیظ آباد	۲,۵۴	۲,۳۸	۲,۲۲	۲,۲۳	۲,۱۰	۲,۴۰	۲,۶۲	۲,۶۸	۲,۷۵
خواجه	۲,۴۱	۲,۷۸	۲,۳۲	۲,۰۱	۲,۰۵	۲,۴۰	۲,۱۴	۲,۴۴	۲,۴۰
دشت	۲,۳۵	۲,۶۸	۲,۴۱	۲,۰۵	۲,۱۷	۲,۳۸	۲,۱۸	۲,۵۳	۲,۴۰
گرازی	۲,۵۳	۲,۵۰	۲,۴۰	۲,۰۶	۲,۲۶	۲,۴۳	۲,۳۴	۲,۶۷	۲,۷۷
مهاباد	۲,۵۷	۲,۶۰	۲,۲۴	۱,۹۰	۲,۲۵	۲,۲۱	۲,۲۷	۲,۵۵	۲,۲۵
وراب	۲,۶۰	۲,۵۷	۲,۳۶	۲,۳۳	۲,۲۹	۲,۴۲	۲,۴۰	۲,۸۱	۲,۹۱
براکوه	۲,۹۸	۲,۷۵	۲,۳۱	۲,۱۵	۲,۲۳	۲,۲۵	۲,۴۰	۲,۴۳	۲,۸۵
فایندر	۲,۵۳	۲,۷۷	۲,۳۳	۲,۳۲	۲,۲۷	۲,۳۰	۲,۴۹	۲,۵۳	۲,۹۸
بیدپارسی	۲,۴۹	۲,۷۰	۲,۳۳	۲,۲۱	۲,۵۰	۲,۳۶	۲,۴۸	۲,۳۱	۲,۹۵
جمع	۳۳,۳۲	۳۳,۹۷	۳۰,۱۳	۲۷,۸۸	۲۸,۶۵	۳۰,۸۸	۳۰,۷۷	۳۳,۰۷	۳۴,۲۲

یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۵

درگام دوم، پس از تشکیل وضع موجود به‌منظور نرمالیزه کردن ماتریس وضع موجود، وزن دهی معیارها صورت گرفت که در این پژوهش، از روش وزن دهی آنتروپی شانون استفاده شد. نتایج وزن دهی در جدول (۱۴) آمده است.

جدول ۱۴ وزن معیارهای به دست آمده از طریق آنتروپی شانون

ردیف	مؤلفه	z	وزن	ردیف	مؤلفه	z	وزن
۱	شناخت مخاطره و اثرات	+	۰٫۱۲۹	۸	بازسازی خسارات	+	۰٫۰٫۰۳۵
۲	پیش‌بینی و هشدار در زمینه مخاطره	+	۰٫۰۷۴	۹	مدیریت مصرف	+	۰٫۰۹۹
۳	اقدامات پیشگیرانه درکاهش آسیب‌ها	+	۰٫۰۲۱	۱۰	حمایت‌های نهادی	+	۰٫۰۸۹
۴	تأمین منابع واکنش و رویارویی	+	۰٫۱۱۴	۱۱	عملکرد مدیران محلی	+	۰٫۳۱۰
۵	منابع درآمدی جایگزین	+	۰٫۱۲۹				

یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۵

گام نهایی، مشخص کردن آلترناتیوی است که بهترین وضعیت را دربین معیارها دارد. هرچقدر مقدار ۱ یک گزینه بالاتر باشد، مقدار N_j آن بالاتر است. این مقدار به صورت درصد بیان می‌شود؛ یعنی مقدار کلی آن از ۰ تا ۱۰۰ محاسبه می‌شود. رتبه‌بندی، براساس مقدار Q_j صورت می‌گیرد؛ یعنی روستاهایی با بالاترین مقدار Q_j و N_j، بالاترین سطح دانش و آگاهی مدیریت بحران خشکسالی را براساس ۹ قلمرو سطح دانش مدیریت بحران خشکسالی دارند و در مقابل، روستاهایی با کمترین مقدار Q_j، پایین‌ترین سطح دانش مدیریت بحران خشکسالی را در مقایسه با سایر روستاها دارند. همان گونه که جدول (۱۵) نشام می‌دهد، روستای فایندر بالاترین میزان دانش مدیریت بحران خشکسالی و روستای مهاباد کمترین دانش مدیریت بحران خشکسالی را داشته است.

جدول ۱۵ نتایج ارزیابی مدل کوپراس برای رتبه‌بندی سطح دانش مدیریت بحران خشکسالی

روستاها	SJ-	SJ+	S-/۱	Q	NJ	رتبه
تیزاب	۰٫۰۰۰۰	۰٫۰۷۶۵	۰٫۰۰۰۰	۰٫۰۷۶۵	۹۳٫۷۸۹	۷
مهراباد	۰٫۰۰۰۰	۰٫۰۷۵۶	۰٫۰۰۰۰	۰٫۰۷۵۶	۹۲٫۶۰۱	۸
خرگرد	۰٫۰۰۰۰	۰٫۰۷۳۹	۰٫۰۰۰۰	۰٫۰۷۳۹	۹۰٫۵۴۸	۱۰
ارزنه	۰٫۰۰۰۰	۰٫۰۷۵۴	۰٫۰۰۰۰	۰٫۰۷۵۴	۹۲٫۴۱۵	۹
حفیظ آباد	۰٫۰۰۰۰	۰٫۰۷۸۴	۰٫۰۰۰۰	۰٫۰۷۸۴	۹۶٫۰۳۱	۵
خواجه	۰٫۰۰۰۰	۰٫۰۷۲۴	۰٫۰۰۰۰	۰٫۰۷۲۴	۸۸٫۶۷۹	۱۲
دشت	۰٫۰۰۰۰	۰٫۰۷۳۰	۰٫۰۰۰۰	۰٫۰۷۳۰	۸۹٫۴۳۱	۱۱
گرازی	۰٫۰۰۰۰	۰٫۰۷۸۱	۰٫۰۰۰۰	۰٫۰۷۸۱	۹۵٫۶۹۴	۶
مهاباد	۰٫۰۰۰۰	۰٫۰۷۲۱	۰٫۰۰۰۰	۰٫۰۷۲۱	۸۸٫۳۷۸	۱۳
وراب	۰٫۰۰۰۰	۰٫۰۸۱۵	۰٫۰۰۰۰	۰٫۰۸۱۵	۹۹٫۸۹۲	۲
براکوه	۰٫۰۰۰۰	۰٫۰۸۰۶	۰٫۰۰۰۰	۰٫۰۸۰۶	۹۸٫۷۹۹	۴
فایندر	۰٫۰۰۰۰	۰٫۰۸۱۶	۰٫۰۰۰۰	۰٫۰۸۱۶	۹۹٫۹۶۲	۱
بیدپارسی	۰٫۰۰۰۰	۰٫۰۸۱۱	۰٫۰۰۰۰	۰٫۰۸۱۱	۹۹٫۳۴۸	۳
جمع	۰٫۰۰۰۰	۱٫۰۰۰۱	۰٫۰۰۰۰	*	*	*

یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۵

از نتایج این گونه استنباط می‌شود که روستاهای دهستان‌های مورد مطالعه، وضعیتی متفاوت به لحاظ سطح دانش روستاییان درباره مدیریت بحران خشکسالی هستند. همان گونه که جدول (۱۵) نشان می‌دهد در مجموع مؤلفه‌ها، روستاهای فایندر، وراب، بیدپارسی و براکوه به ترتیب از وضعیت سطح دانش مدیریت بحران خشکسالی بهتری از دید جامعه نمونه دارند. بر پایه بررسی‌ها و مشاهدات پژوهش، این وضع درنتیجه برخورداری این روستاها از روابط بهتر و وسیع‌تری با سازمان و ارگان‌های مربوط به خشکسالی و مدیریت خشکسالی، فاصله نزدیک‌تر به مرکز شهرستان و درنتیجه دسترسی بهتر به زیرساخت‌های بهتر، بهره گیری از دانش بومی مدیریت خشکسالی، اشتغال بیشتر به کشاورزی و دامداری و جمعیت مسن‌تر، نسبت به سایر روستاها، ساکنان این روستاها دانش مدیریت بحران خشکسالی بیشتری دارند.

۵. نتیجه گیری

مخاطرات طبیعی یک چالش عمده در نواحی روستایی است و کنترل آن در روستا از اهمیت زیادی برخوردار است. با توجه به این مسئله هنوز عرصه‌های روستایی کشور از یک مدیریت فراگیر بحران برخوردار نبوده و سالیانه تعداد زیادی از ساکنان نواحی روستایی کشور در اثر سوانح طبیعی و غیرطبیعی دچار خسارات و تلفات جانی و مالی می‌شوند. این پژوهش به دنبال بررسی میزان دانش و آگاهی روستاییان درباره مدیریت بحران خشکسالی می‌باشد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که، دانش مدیریت بحران خشکسالی در میان خانوارهای روستایی مورد مطالعه در همه متغیرها پایین‌تر از سطح مطلوب میانگین عددی ۳ هستند. این نتایج با پژوهش سجاسی قیداری و همکاران (۱۳۹۳) همخوانی دارد که بیان می‌دارد که، سطح دانش مدیران محلی درباره مدیریت بحران پایین‌تر از سطح مطلوب میانگین عددی ۳ قرار دارند. برای بررسی ارتباط بین متغیرهای فردی و حرفه‌ای با متغیر وابسته یعنی سطح دانش روستاییان درباره مدیریت بحران خشکسالی به تناسب و برحسب نوع متغیر از ضرایب همبستگی استفاده گردید که طبق این آزمون در پژوهش حاضر بین متغیر جنسیت و دانش مدیریت بحران رابطه معناداری وجود ندارد و بین متغیرهای اشتغال، سطح تحصیلات و سن با متغیر وابسته دانش مدیریت بحران رابطه معنی داری وجود دارد و همچنین با نتایج به دست آمده از آزمون T با دونمونه مستقل مشخص شد که میانگین دانش مدیریت بحران بین مسن‌ترها و جوانان با هم تفاوت دارند و به نفع مسن‌ترها است. همچنین در بررسی میانگین دانش مدیریت بحران برحسب اشتغال افراد نمونه مشخص شد که میانگین دانش مدیریت بحران به نفع شغل‌های کشاورزی و دامداری است. بین متغیر سطح تحصیلات و دانش مدیریت بحران رابطه معنادارمنفی برقرار می‌باشد که به دلیل عدم وجود منابع و سرفصل‌های آموزشی برای مدیریت بحران در مباحث آموزشی و پرورشی می‌باشد. در پیشینه تاریخی موضوع پژوهش حاضر، پژوهش یافت نشد که به بررسی رابطه و اثر متغیرهای عمومی و

حرفه‌ای روستاییان بر سطح دانش مدیریت بحران پرداخته باشد، لذا پـژوهش حاضـر از ایـن نظـر خـاص‌تـر می‌باشد.

کتابنامه

اخوان، پیمان؛ درویش زاده، مرضیه؛ ۱۳۹۱. ارائه چارچوب مدیریت بحران مبتنی بر مکاتب فکری مدیریت دانش ایرل در بحران زلزله. فصلنامه علمی- پژوهشـی پژوهشـگاه علـوم و فنـاوری اطلاعـات ایـران. پژوهشـنامه پـردازش و مدیریت اطلاعات. شماره ۱، دوره ۶۷، صص، ۱۷۰-۱۴۳.

افراخته، حسن؛ ۱۳۹۱. اقتصاد فضا و توسعه روستایی (مطالعه مـوردی: ناحیـه شـفت)، مجلـه اقتصـاد فضـا و توسـعه روستایی. شماره ۱، ص ۴۰.

امیری، عبدالرضا؛ ۱۳۷۸. بحران‌های طبیعی و نظم و امنیت اجتماعی، تهران: سازمان تحقیقـات و مطالعـات ناجـا. ص، ۳۴.

ایمانی، بهرام؛ عمران زاده، بهزاد؛ ۱۳۸۸. راهکارهای رفع نارسایی مدیریت بحران در نواحی روسـتایی ایـران. فصـلنامه مسکن و محیط روستا، شماره ۱۲۵، صص. ۱۲-۳۲.

تقوایی، مسعود؛ عزیزی، داود؛ ۱۳۷۸. برنامه‌ریزی و مدیریت بحران شهری، انتشارات کنکاش، اصفهان.

سجادی، اشرف؛ ۱۳۹۲. مدیریت بحران و وظایف نیروهای مسـلح در شـرایط بـروز بلایـا و حـوادث طبیعـی. اولـین همایش سراسری محیط زیست، انرژی و پدافند زیستی، ۱۰ دی ماه، تهران، موسسه آموزش عالی مهر اروند، گروه ترویجی دوستداران محیط زیست.

جعفری، مصطفی؛ ابن رسول، سیداصغر؛ دیده ور، فاطمه؛ ۱۳۸۵. نقش مدیریت دانش و فناوری اطلاعات در مـدیریت ریسک پروژه. نشریه بین‌المللی علوم مهندسی. شماره ۵، صص ۳۱-۳۷.

چشم براه، محسن؛ قاسمی، محمد؛ کرباسیان، محمد؛ یاوری، علیرضـا؛ و خیـام باشـی، بیـژن؛ ۱۳۹۳. راهبـرد مـدیریت دانش در مدیریت بحران. پژوهشنامه نظم و امنیت انتظامی. شماره ۴، ص ۲۷-۵۲.

رفیعیان، مجتبی؛ مطهری، زینب السادات؛ ۱۳۹۱. طراحی مدلی برای مطالعه رویکرد مـدیریت ریسـک بحـران اجتمـاع محور. مطالعه موردی: طرح دوام (داوطلبین واکنش اضطراری محلات)، فصلنامه علمی پژوهشی مـدیرتی بحـران. شماره ۱، ص ۵-۱۲.

روشندل اربطانی، طاهر؛ پورعزت، علی اصغر؛ قلی پور، آرین؛ ۱۳۸۸. تدوین الگوی جامع فراگرد مـدیریت بحـران بـا رویکرد نظم و امنیت. فصلنامه دانش انتظامی. شماره ۲، صص. ۶۴- ۸۲.

ریاحی، وحید؛ زمانی، لقمان؛ ۱۳۹۲. مدیریت بحران زلزله در سـکونتگاه‌هـای روسـتایی شهرسـتان سـروآباد. فصـلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی. شماره ۱، صص. ۲-۲۲.

سجاسی قیداری، حمدالله؛ صادقلو، طاهره؛ رئیسی، اسلام؛ ۱۳۹۳. سنجش سطح دانش مدیریت بحـران مـدیران محلـی روستایی با تأکید بر زلزله. مطالعه موردی: دهستان گشت، شهرستان سـراوان، پـژوهش‌هـای روسـتایی. شـماره ۳، صص. ۵۴۱- ۵۶۱.

سلمانی، محمد؛ ایمانی، بهرام؛ ۱۳۷۸. راهکارهای رفع نارسایی مدیریت بحران در نواحی روستایی. فصلنامه مدیریت بحران. شماره ۲۷، صص. ۵۰- ۷۰.

صادقلو، طاهره؛ عزیزی دمیرچیلو، عبداله؛ ۱۳۹۴. ارزیابی میزان تأثیر گذاری دانش بومی بر پایداری توسعه کشاورزی، مطالعه موردی: روستاهای دهستان گوک تپه شهرستان بیله سوار. مجله پژوهش‌های روستایی. شماره ۲۲، صص. ۴۱- ۶۱.

عبدالهی، مجید؛ ۱۳۹۱. مدیریت بحران در نواحی شهری. انتشارات سازمان شهرداری‌های کشور. تهران، صص. ۳۴- ۵۵.

عزمی، آئیژ؛ میرزایی قلعه، فرزاد؛ درویشی، سباء؛ ۱۳۹۴. جایگاه دانش بومی در مدیریت مخاطرات طبیعی در روستاها، مطالعه موردی: دهستان شیزر، شهرستان هرسین، فصلنامه جغرافیا و مخاطرات محیطی. شماره ۱۳، صص. ۳۹- ۲۳.

غلامحسینی، اسماعیل؛ ۱۳۹۱. بررسی نقش و جایگاه ناجا در مدیریت بحران‌های طبیعی. مطالعه موردی: بحران سفید، بحران برف ۱۳۸۳ گیلان، فصلنامه پژوهش‌های مدیریت انتظامی. صص. ۵۴۸- ۵۶۸.

فاضل نیا، غریب؛ رکن الدین افتخاری، عبدالرضا؛ ۱۳۸۲. تبیین نظریه‌ای عوامل مؤثر بر شناخت و آگاهی روستاییان از توانش‌های خود و محیط پیرامون. فصلنامه علمی پژوهشی. شماره ۱، صص.۱۱۱-۱۵۰.

فیروزی، محمدعلی؛ سجادیان، ناهید؛ سجادیان، مهیار؛ ۱۳۹۰. سیستم پشتیبانی تصمیم گیری فضایی مدیریت ریسک بحران‌های طبیعی در روستاها با بهره گیری از جی. آی. اس؛ گامی در راستای توسعه پایدار. مطالعه موردی: روستاهای استان مازندران، فصلنامه روستا و توسعه. شماره ۲، صص.۹۳-۱۱۵.

قدیری معصوم؛ قراگوزلو، مجتبی؛ قراگوزلو، هادی؛ ۱۳۹۱. نقش نواحی صنعتی در توسعه اقتصادی و اجتماعی سکونتگاه‌های روستایی. مجله اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال ۱، شماره ۲، صص.۱-۱۴.

مرکز آمار ایران، سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۰.

موسوی، سیروس؛ ۱۳۹۰. قابلیت‌های دهیاری در مدیریت بحران روستاها. ماهنامه آموزشی، پژوهشی و ترویجی دهیاری‌ها. شماره ۳۶، صص. ۵-۳.

محسنی، محمد؛ ۱۳۷۱. بررسی آگاهی‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای اجتماعی و فرهنگی در ایران. معاونت پژوهشی و آموزشی فرهنگ و ارشاد اسلامی.

میرزاده اسدآبادی؛ اسماعیل؛ ۱۳۹۰. اثرات خشکسالی هواشناسی (اقلیمی) بر منابع آب دشت خواف. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد، واحد تربت حیدریه.

وزین، نرگس؛ ۱۳۸۶. نقش دانش بومی و نوین در کاهش آسیب‌های محیطی در روستاها. مطالعه موردی: بخش خورش رستم، پایان نامه کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی. دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس.

هزار جریبی، جعفر؛ محبوبی منش، حسین؛ ۱۳۹۱. تولید دانش انتظامی معطوف به ارتباطـات علمـی بـین سـازمانی در ناجا. فصلنامه نظم و امنیت انتظامی. شماره ۲، صص.۱-۲۹.

Abaci, M.C., 2016. ndama guidelines on management of nuclear and radiological emergencies, ndama haven. Safdarjung Enclave,34 (1), 17-22.

Aping, T., Aisha, W., Xian, T., 2005. Earthquake disaster management inChina.

Coppola, D.P., 2007. Introduction to International Disaster Management.Oxford, UK: Butterworth, Heinemann, Burlington.

Edberg, BH., Tamara, LT., Eric, BB., Dianne. W., Gabor, DK., Gary., 2006. Healthcare worker competencies for disaster training BMC medical Education.

Hansson, K., Danielson, M., Ekberg, L., 2008. assessment of a flood management formwork, international journal of public information systems,23, 25- 37

Jacques, Tony., 2007. issue management and crisis management. And integrated, Non-liner, Relational Construct Original. Research Article Public Relations Review, 32, 147- 157

Steve M, N., Mason, B., Koch, T., Ackerman, J., Cassidy, D., Belonged., 2008. corporate crisis management: Managing a major crisis in chemical facility, Journal of Hazardous Materials, 93-120.

Myers, D., Wee David, F., 1988. Disaster in mental health services. A primer for practitioners. Series in psychosocial stress. New York: Brunner- Routledge, 46-60.

R, Sang it, or. Rabat, Pal., K, Prada., 2014. Awareness of Rural Youth towards Disaster Management. A Gender Disintegrated Study. Indian Research, pp, 78- 82

V, Kumar i., K., Sabetha, P., 2015. Awareness on disaster management. An exploration among secondary school students in Kerala based on their gender, local and experience with disaster, guru journal of Behavioral and Social Sciences, p p. 382-388.

International Federation of Red Cross and Red Crescent Societies., 2013. Public awareness and public education for disaster risk reduction: key messages, Geneva, Switzerland.